

علم زبان؛ سال ۶، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸

بررسی رابطه نگرش گویشوران بومی و میزان شدت تهدید

زبانی‌شان با استناد به سند اجرایی یونسکو

۱- الیناز فرمهینی فراهانی*، ۲- زهرا ابوالحسنی چیمه**

۱- دانش‌آموخته دکتری گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

۲- دانشیار پژوهشکده سمت، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۲)

چکیده

برای دستیابی به رابطه بین نگرش بومی‌زبانان نسبت به گونه زبانی‌شان و میزان شدت تهدید آن گونه زبانی، از طریق نه شاخص سند اجرایی زبان زنده و درخطر یونسکو (2003) و همچنین فرم نگرش‌سنج محقق‌ساخته، ده گونه زبانی در ده آبادی از سه استان تهران، البرز و هرمزگان مورد سنجش قرار گرفت. نتایج از طریق نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون پی‌رسون رابطه بین دو متغیر نگرش بومی‌زبان و شدت درخطر بودن گونه زبانی، رابطه خطی مثبت است. اگر نگرش بومی‌زبان نسبت به گونه زبانی‌شان مثبت باشد، گونه زبانی آنان از وضعیت ایمن‌تری برخوردار است و هویت اجتماعی گویشوران در معرض آسیب کمتری است و اگر نگرش گویشوران نسبت به گونه زبانی خود منفی باشد پیش‌بینی می‌شود که زبان در معرض خطر جدی باشد. برای حفظ یک گونه زبانی، تقویت نگرش بومی‌زبانان به آن زبان یکی از راهکارهای اصلی قابل پیشنهاد است.

کلیدواژه‌ها: زبان، هویت، نگرش بومی‌زبان، زبان‌های درخطر، سند اجرایی یونسکو.

* E-mail: elinaz_farahani@yahoo.com

** E-mail: zabolhassani@hotmail.com (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه و طرح مسأله

زبان به طور عمقی در تاریخچه زندگی فردی و اجتماعی افراد ریشه دارد و در عین حال نسبت به نژاد و قومیت از انعطاف بیش‌تری برخوردار است. این بدان معناست که افراد می‌توانند آگاهانه یا ناآگاهانه از طریق انتخاب اشکال مختلف زبانی حتی در درون یک جمله، هویت^۱ چندگانه خود را بیان کنند که به این پدیده در اصطلاح زبان‌شناسی تغییر رمز^۲ گفته می‌شود (Blom, J. P. and Gumperz, 1972:410). افراد با استفاده از هر یک از زبان‌هایی که بر آن‌ها مسلط هستند و حتی با استفاده از اشکال مختلف یک زبان به طور دائم هویت خود را می‌سازند و از این طریق نشان می‌دهند که در واقع چه کسانی هستند. زمان، مکان، موقعیت، هدف و موضوع مکالمه، نوع روابط افراد مکالمه‌کننده و هویت افرادی که در یک مکالمه شرکت دارند، تاثیر بسزایی در انتخاب معانی، واژه‌ها، ساختارها و نحوه بیان دارد. این گونه افراد هویت خویش را می‌سازند و از طریق زبان آن را عرضه می‌کنند (Hymes, 1972: 277-278). ما از طریق زبان، موجودیت اجتماعی و هویت اجتماعی خود را می‌سازیم و نشان می‌دهیم که چه کسانی هستیم، چه کسانی نیستیم و چه کسانی نمی‌خواهیم باشیم (Lippi-green, 1997: 63). به باور نگارندگان، زبان فراگیرترین عنصر مشترک هویتی است که می‌تواند تا حد زیادی نظرها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی به عهده بگیرد؛ بنابراین، در میان عناصر هویتی، زبان می‌تواند در رتبه اول شبکه ارتباط و تعامل اجتماعی قرار گیرد.

¹. identity

².code switching

از سویی دیگر می‌توان از زبان به عنوان میراث فرهنگی ناملموس یاد کرد. میراث فرهنگی ناملموس به معنای رفتارها، نمادها، بیان‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و نیز وسایل، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاهای فرهنگی وابسته به آن‌ها است که جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد، آن‌ها را به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند. این میراث فرهنگی ناملموس که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، پیوسته توسط جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط، تعامل با طبیعت و تاریخ‌شان بازآفرینی می‌شود و حس هویت و تداوم را برایشان به ارمغان می‌آورد و بدین ترتیب، احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌کند (متون ابتدایی کنوانسیون 2003 برای پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس^۱، ۲۰۱۴: ۵). در اهداف کنوانسیونی که در خصوص میراث فرهنگی ناملموس توسط یونسکو^۲ ارائه شده است، میراث فرهنگی ناملموس عاملی مهم و درعین حال شکننده است. بسیاری از تجلیات و مظاهر این میراث با تهدید روبه‌رو است، به‌عنوان مثال، خطر عدم حمایت، عدم درک ارزش و فهم. اگر میراث فرهنگی ناملموس پرورده نشود با خطر از دست‌رفتن همیشگی و انجماد مواجهه می‌شود. برای پاسداری و زنده نگه‌داشتن میراث فرهنگی ناملموس باید آن را فعال نگه داشت و به‌طور منظم در درون جوامع و میان نسل‌ها بدان عمل کرد و موضوع یادگیری قرار داد (متون ابتدایی کنوانسیون 2003 برای پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس، ۲۰۱۴: ۵-۶). یکی از راه‌های ارزیابی شأن زبان، نگرش‌سنجی است، چراکه به واسطه این موضوع می‌توان به اطلاعات مهمی درباره نگرش‌های زبانی گویشوران یک جامعه زبانی دست پیدا کرد. نگرش یکی از موضوعات مهم در روان‌شناسی اجتماعی

¹. Intangible Cultural Heritage (ICH)

². United Nations Educational Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

است. نگرش نظامی پایدار است که از سه مولفه شناخت، احساس و رفتار تشکیل شده و از سوی دیگر حاصل تجربه است. با توجه به تعریف نگرش می‌توان به ارتباط تنگاتنگ میان بحث نگرش و برنامه‌ریزی زبان برای شأن زبان و در نتیجه تأثیر آن در شکل‌گیری هویت در نظر گرفت (داوری، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

در این میان، نگارندگان قصد دارند تا تأثیر نگرش بومی‌زبانان و احساس تعلق آنها به گونه‌ی زبانی‌شان را با استناد به سند اجرایی یونسکو مورد ارزیابی قرار دهند تا نقش نگرش را در حفظ و پاسداشت زبان که بالطبع در حفظ و ایمن بودن هویت‌شان می‌تواند مؤثر باشد، مورد بررسی قرار دهند. نگارندگان بر این باورند که یکی از راه‌های حفظ زبان، تقویت نگرش بومی‌زبانان نسبت به هویت خود است. در واقع از طریق مهندسی معکوس می‌توان با تقویت نگرش گویشوران بومی به گونه‌ی زبانی خود و به نوعی تقویت هویت اجتماعی آنها، زبان را از معرض انقراض نجات داد.

این پژوهش درصدد است به پرسش زیر پاسخ دهد که آیا اساساً رابطه‌ای عینی و کمی بین نگرش و شدت تهدید زبان در موارد انتخاب‌شده زبانی وجود دارد یا خیر و این همبستگی چگونه است؛ در نهایت نتایج قابل استحصاء این همبستگی چیست.

۲. سوال تحقیق

همبستگی بین نگرش بومی‌زبانان نسبت به گونه‌ی زبانی‌شان، با شدت تهدید آن گونه‌ی زبانی با استناد به سند اجرایی یونسکو به چه میزان است؟

۳. چارچوب نظری

بر اساس گفته گروه موقت یونسکو^۱ (2003)، به منظور رتبه‌بندی میراث زبانی در خطر، سند اجرایی از سوی یونسکو تحت عنوان «زبان‌های زنده و در خطر»^۲ معرفی شده است. این سند یک چارچوب اجرایی است که با ارائه معیارهایی به تشخیص زبان‌های در خطر کمک می‌کند و در واقع چارچوب این تحقیق است. در این سند اجرایی برای برآورد شدت تهدید زبانی و فوریت مستندسازی زبانی، نه شاخص (معیار یا عامل) در قالب سه زیرمجموعه پیشنهاد شده است و یونسکو تأکید می‌کند که شاخص‌های پیشنهادی نایستی به صورت منفرد به کار گرفته شوند. به واسطه این چارچوب، وضعیت شدت در خطر بودن گونه‌های زبانی منتخب این تحقیق مشخص می‌شود، جزئیات و تقسیم‌بندی این شاخص‌ها در قسمت پیوست آمده است.

۳-۱. رده‌بندی زبان‌های در خطر از منظر یونسکو

یونسکو از چند منطقه که دارای زبان‌های در معرض خطر هستند یاد کرده است که در حوزه آسیای غربی و مرکزی، کشور ایران یکی از آن مناطق به شمار می‌آید (Moseley, 2010:9). در حقیقت، انقراض یک زبان به معنای تقلیل هویت و توانایی‌های بشریت است. بالطبع زمانی یک گونه زبانی در خطر باشد یعنی هویت و فرهنگ مردم آن جامعه زبانی در خطر است. هر زبانی چه جزء زبان‌های فراگیر باشد و چه جزء زبان‌هایی باشد که تعداد سخنوران‌اش کم‌اند، نشان‌دهنده واقعیت فرهنگ بشری است. مرگ یک زبان به طور غیرقابل اجتنابی به نابودی و

¹. UNESCO Ad Hoc

². Language vitality and Endangerment (LVE)

حذف بخش‌های مختلفی از میراث فرهنگی ناملموس از قبیل هنر، تجربیات جوامع، سنت‌ها و مراسم خاص جوامع مختلف، میراث ارزشمند^۱ سنت‌های شفاهی، و اصطلاحات مورد استفاده جوامع، مانند شعر، لطیفه، ضرب‌المثل و افسانه‌ها، هویت و اصالت مردمان آن جامعه منتهی می‌شود. نابودی زبان‌های بومی حتی می‌تواند تأثیر مخربی بر روی تنوعات زیستی به دنبال داشته باشد. دانش سنتی جوامع مختلف در رابطه با طبیعت و جهان و نیز عقاید معنوی و ارزش‌های فرهنگی که در دل زبان‌های بومی به حیات خود ادامه می‌دهند، سازوکارهایی برای استفاده پایدار از منابع طبیعی و مدیریت اکوسیستم‌ها در خود دارند (Moseley, 2010:2).

رده‌بندی زبان‌ها از منظر یونسکو به شرح زیر است (زبان زنده و در خطر، ۲۰۰۳: ۷-۱۰):

۱- زبان‌های ایمن^۲: این زبان توسط همه نسل‌ها صحبت می‌شود و هیچ نشانه‌ای از تهدید زبانی به وسیله زبان‌های دیگر وجود ندارد و انتقال نسلی در این زبان بدون وقفه به نظر می‌رسد.

۲- زبان‌های ناایمن^۳: غالب کودکان یا خانواده‌ای از جامعه‌ای خاص به‌عنوان زبان اول از آن استفاده می‌کنند، اما ممکن است به حوزه‌های اجتماعی خاص، مانند خانه یا جایی که کودکان با والدین‌شان یا پدربزرگ و مادربزرگ‌هایشان تعامل دارند، محدود شده باشد.

^۱. این واژه یک اصطلاح تخصصی مربوط به یونسکو بوده و جنبه ادبی ندارد و معادل valuable در نظر گرفته می‌شود.

^۲. safe

^۳. unsafe

۳- زبان‌های آسیب‌پذیر^۱: این زبان توسط همه نسل‌ها و در بیشتر موارد استفاده می‌شود و وقفه‌ای در انتقال زبان از یک نسل به نسل بعدی وجود ندارد، ولی در عین حال، وجود چند زبان یا یک زبان حاکم در جامعه موجب شده است تا زبان مورد نظر با تهدید روبه‌رو شود.

۴- زبان‌های قطعاً در خطر^۲: این زبان، دیگر به‌عنوان زبان مادری در خانه آموزش داده نمی‌شود. البته، والدین هنوز ممکن است به زبان خود با کودک‌شان صحبت کنند، ولی کودکان لزوماً به همان زبان، به والدین خود پاسخ نمی‌دهند.

۵- زبان‌های به شدت در خطر^۳: این زبان فقط توسط سالخوردگان خانواده و نسل‌های قبلی صحبت می‌شود. والدین نیز هنوز تا حدودی زبان را درک می‌کنند، ولی با کودک‌شان و یا با یکدیگر به آن صحبت نمی‌کنند.

۶- زبان‌های به طرز وخیم در خطر^۴: این زبان فقط توسط اجداد و پیشینیان صحبت می‌شود و نسل‌های جدید در تعاملات خود از آن استفاده نمی‌کنند. نسل قبلی نیز فقط واژه‌هایی از آن را به خاطر می‌آورد، ولی در محاورات‌شان از آن استفاده نمی‌کنند، چراکه افراد بسیار کمی قادر به فهم آن زبان هستند.

۷- زبان‌های نابود شده^۵: هیچ‌کس نمی‌تواند به این زبان‌ها صحبت کند یا آن را به خاطر آورد.^۱

1. vulnerable, stable yet threatened
2. definitely endangered
3. severely endangered
4. critically endangered
5. extinct

۴. پیشینه تحقیق و مباحث نظری

در این بخش، ابتدا به برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی در رابطه با نگرش بومی‌زبانان نسبت به گونه‌زبانی‌شان بررسی می‌شود و در ادامه به برخی مفاهیم کلیدی خواهیم پرداخت. مشایخ (۱۳۸۲) با مطالعه کاربرد فارسی و گیلکی در میان دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی و والدین آنها در شهر رشت چنین یافت که کاربرد زبان گیلکی بین دانش‌آموزان تقریباً مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. همچنین، به ارتباط معنی‌دار بین جنسیت و نگرش‌های زبانی دانش‌آموزان و والدین آنها نسبت به زبان فارسی و گیلکی پی برد. به این صورت که جنس مؤنث در مقایسه با جنس مذکر تمایل به دوری جستن از زبان بومی خود به نفع فارسی دارد و بیش از نیمی از فرزندان نسبت به گیلکی نگرش منفی دارند که چنین نگرش منفی فرایند تغییر زبان را تسهیل می‌کند.

صفایی اصل (۱۳۸۳) در بررسی نگرش دانش‌آموزان دبیرستان شهر مرند نسبت به استفاده از زبان فارسی، دریافت که دختران در مقایسه با پسران، نگرش مثبت‌تری نسبت به فارسی دارند و رغبت بیشتری به استفاده از زبان فارسی در محیط مدرسه از خود نشان می‌دهند و در جهت تغییر زبان مادری خود یعنی ترکی تلاش بیشتری می‌کنند.

اسماعیلی و همکاران (۱۳۸۶) در مطالعه جایگاه و کاربرد زبان مازندرانی و نگرش‌های گویشوران نسبت به آن در شهرستان آمل دریافتند که نگرش‌ها نسبت

^۱ مطالب این قسمت برگرفته از کتاب *زبان زنده و درخطر* سال ۲۰۰۳ است که ترجمه اسامی زبان‌ها توسط نگارندگان انجام شده است و خواننده این اثر در آثار دیگر امکان دارد با ترجمه‌های دیگری روبه‌رو گردد.

به مازندرانی به ویژه در بین جوانان چندان مثبت نیست و مدعی شدند که زبان مازندرانی یک روند فرسایشی تدریجی را در منطقه طی می‌کند.

پارک (2007) در مطالعه خود بیان کرد که نوجوانان گره‌ای مهاجر در آمریکا زبان انگلیسی را جایگزین زبان مادری خود کرده‌اند، ولی والدین آنان هنوز دلبسته زبان بومی خود هستند.

مارتین (2009) می‌گوید، والدین آمریکایی عرب‌تبار بر اساس نگرش‌های مثبت نسبت به زبان بومی خود یعنی عربی، در جهت حفظ زبان عربی در محیط خانه تلاش‌های فراوانی از خود نشان می‌دهند.

هبتور^۱ (2012) معتقد است که در بین نوجوانان تیگرینیایی زبان^۲ در عربستان سعودی، استفاده از زبان مادری به نفع زبان عربی کم‌رنگ‌تر می‌شود و با افزایش مهارت زبانی نوجوانان در زبان عربی، گرایش آنها به حفظ زبان مادری کم‌تر می‌گردد. در بررسی پیشینه پژوهش‌هایی از این دست، این نتیجه حاصل شد که موضوع ارتباط بین نگرش به زبان و میزان در خطر بودن زبان در هیچ پژوهشی مورد نظر قرار نگرفته است. از این جهت پژوهش حاضر پژوهشی تازه محسوب می‌شود.

هر چند پژوهش‌هایی مانند اسماعیلی و همکاران (۱۳۸۶) تا حد زیادی در جهت حمایت از فرضیه این مقاله، رابطه مستقیمی را بین فرسایش زبان مازندرانی و نگرش منفی سخنگویان این گونه زبانی به دست داده است، اما پژوهش حاضر از نظر ابعاد و کیفیت، نگاهی تازه محسوب می‌شود.

¹. Habtoor

². Tigrinya

۴-۱. هویت فردی

هویت عبارت است از احساس تمایز شخصی، تداوم و استقلال شخصی (Jacobson, 1998:9). هویت افراد طی فرایند رشد، شکل می‌گیرد. این هویت در متن اجتماع و فرهنگی رشد می‌کند که فرد در آن جامعه پذیر شده است (لک، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

۴-۲. هویت اجتماعی

کاستلز^۱ معتقد است که اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنش‌گران اجتماعی باشد عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود (۱۳۸۰: ۲۲). هویت اجتماعی مهم‌ترین ویژگی هر ملت، فرهنگ، تاریخ و سرزمین مشترک است (مهیمنی، ۱۳۷۹: ۳۰۶).

۴-۳. هویت اجتماعی - زبانی

زمانی که درباره چگونگی استفاده از زبان توسط گویش‌وران صحبت می‌شود، باید دو مبحث شخصی (روابط بین افراد) و گروهی (روابط بین گروهی) را مدنظر گیریم. در نظریه‌های جامعه‌شناسی، هویت یک نگرش ثابت از مردم یا گروه نیست، بلکه ساختار پویایی دارد که به صورت کلام و رفتار اجتماعی نمود پیدا می‌کند. اگرچه ما توجه به هویت‌های شخصی داریم، ولی هویت اجتماعی از اهمیت اولیه‌ای برخوردار است. هویت به مثابه سازه زبانی اعضای یک گروه یا

¹. Castells

چندین گروه و طبقه‌بندی اجتماعی است (Kroskrity, 2000:111). مفهوم همبستگی نیز با شکل‌گیری هویت و شکل‌گیری گروه درهم پیچیده است. مردم می‌توانند به دلایل مختلف باهم متحد شوند، مثلاً مردم برای ساخت هویت خود به عنوان اعضای از گروه خاص، از رفتار زبانی - رمزی خاص به عنوان زبان یا گویش - استفاده کنند (Wardhaugh and Fuller, 2014:9). هویت می‌تواند در علم زبان‌شناسی نیز معنا پیدا کند. به عنوان مثال، استفاده از فرم خاص واژگان^۱، شیوه و نحوه صحبت کردن و غیره در گونه‌های زبانی، که این مهم باعث می‌شود در شناسایی آن گویشور و ایجاد ارتباط خاص کمک شایانی کند (Wardhaugh and Fuller, 2014:72). مطالعه زبان و هویت یک روش زبان‌شناسی است که از طریق نحوه استفاده از زبان، میزان عضویت، پایداری و حس تعلق، پذیرفتگی و غیره را در برابر مرزهای گروهی دیگر مشخص می‌کند. نظریه هویت قومی - زبانی^۲ جایلز و جانسون (1987) برای تبیین و تشریح استفاده از زبان به عنوان شاخصی برای هویت گروهی مطرح شده است که در واقع این نظریه بر آن است که انسان، دنیا را به گروه‌های اجتماعی مختلف طبقه‌بندی می‌کند و در این بین، برای رقم زدن هویت اجتماعی مثبت برای خود، از شاخص‌هایی استفاده می‌کند که یکی از آنها می‌تواند زبان باشد.

۴-۴. زبان، هویت

زبان به عنوان نیروی انسجام‌دهنده^۳، نقش ویژه‌ای در بسترسازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت قومی و ملی دارد، اما موفقیت زبان در حصول به این

¹. lexicon

². linguistic ethnicity

³. cohesive force

مقصود بستگی به جوهره خلاقیت و آفرینندگی فرهنگ و در عین حال سیالیت، پویایی و سازگاری و هماهنگی عناصر تشکیل‌دهنده آن دارد (گودرزی، ۱۳۸۴: ۲۳). زبان علاوه بر آن که خود حاصل بار معنایی هویت است، از طریق آفرینش و انتقال نظام معنایی قابل فهم برای دیگران به‌مثابه کانال انتقال سایر عناصر هویتی نقش ایفا می‌کند. برگر و لوکمان از جمله افرادی هستند که به نقش هویت‌بخشی زبان اشاره می‌کنند. آن‌ها معتقدند که زبان به سبب قابلیت‌اش در فراتر از زمان و مکان کنونی، حوزه‌های مختلف درون واقعیات زندگی را به هم پیوند می‌دهد، آن‌ها را در یک مجموعه معنی‌دار کلی، گرد می‌آورد و سبب تشکیل هویت ملی و خودآگاهی نسبت به آن می‌شود (۱۳۷۵: ۸).

۴-۵. نگرش‌های زبانی

پرستون^۱ نگرش را پاسخ‌هایی می‌داند که افراد در برابر شخصیت، قومیت، ملیت، جنس و دیگر هویت‌های گویش‌وران یک‌زبانه می‌داند (5: 1989). به باور (Baker, 1992) و (Fasold, 1984) افراد بر اساس نگرش‌های زبانی خود، زبان‌ها را ارزش‌گذاری می‌کنند و نسبت به آنها احساسی را در خود می‌آفرینند و در قبال آن زبان‌ها و گویشوران آنها رفتاری را از خود نشان می‌دهند (Dyers, 2008). انتخاب یک زبان از میان دو یا چند زبان در موقعیت‌های مختلف را می‌توان نمونه‌ای از رفتار زبانی قلمداد کرد که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نگرش زبانی است همچنین مکنزی^۲ معتقد است که نگرش‌های زبانی نقش عمده‌ای در گسترش یا زوال زبان و لهجه‌ها بر عهده دارد (26: 2010). مفهوم نگرش یا تغییر

¹. Preston

². Mckenzie

نگرش برای برخی از مکاتب روان‌شناسی اجتماعی بسیار مهم است. نگرش افراد، از باورها و در سطحی عمیق‌تر، از مجموعه ارزش‌هایشان نشأت می‌گیرد. با این استدلال، می‌توان نگرش‌ها را مبتنی بر هویت دانست.

۵. روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش، برای تحقق ارتباط میان دو متغیر اصلی این پژوهش که عبارتند از شدت تهدید گونه‌های زبانی منتخب (متغیر مستقل) و نگرش بومی‌زبانان نسبت به گونه زبانی‌شان (متغیر وابسته)، نگارندگان در سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ با اتکا به چارچوب نظری این تحقیق برای تشخیص شدت تهدید زبانی، ده گونه زبانی از پنج آبادی در محدوده دو استان تهران (پایتخت) و استان البرز (مجاور پایتخت) و پنج آبادی در محدوده استان هرمزگان (دورتر از پایتخت) انتخاب نموده‌اند و به‌صورت میدانی و مشاهدات عینی توانسته‌اند شاخص‌های سند اجرایی یونسکو را در خصوص محدوده‌های مذکور به‌صورت توصیفی مورد ارزیابی قرار دهند و به رده‌بندی در خطر بودن گونه‌های زبانی منتخب در این ده آبادی از سه استان یادشده دست‌یابند. دلیل انتخاب این استان‌ها آن بود که استان تهران را به‌عنوان استان مبنا در نظر گیرند و یک استان مجاور آن و یک استان خیلی دورتر از آن را به عنوان استان‌های گواه و آزمایش این پژوهش باشند تا تأثیرات استفاده از زبان فارسی یا زبان بومی در زندگی روزمره ساکنین مشخص گردد. استان‌های مورد ارزیابی دارای گونه‌های زبانی متفاوت و متنوعی هستند و از آن‌جا که نمی‌توان در این پژوهش همه آنها را مورد ارزیابی قرار داد، نگارندگان فارغ از هرگونه تعصب و صرفاً بر حسب روش تصادفی ساده گونه‌های زبانی‌ای را انتخاب کردند که به شرح زیر است:

گونه آغشتی در آبادی آغشت، گونه طالقانی در آبادی کولج پایین، گونه سنگانی در آبادی سنگان پایین، گونه جابانی در آبادی جابان، گونه آفجه‌ای در آبادی آفجه (استان تهران و استان البرز)؛ گونه لارکی در لارک شهری، گونه قشمی در گوران، گونه گهگمی در آبادی گهگم، گونه مُلکی‌گالی در آبادی درجک و گونه بستکی در آبادی دهنگ (استان هرمزگان).

همچنین در گام بعدی، نگارندگان با استناد به زیر مجموعه نگرش بومی‌زبانان به زبان بومی و شاخص وجهه زبان در سند یونسکو توانستند نگرش دویست و پنجاه نفر از بومیان (هر آبادی بیست و پنج نفر)، را نسبت به زبان‌شان به وسیله پرسش‌نامه نگرش‌سنج^۱ که سوالات آن توسط خود نگارندگان طراحی شده بود، مورد سنجش قرار دهند. سوالات این پرسش‌نامه از منظر مباحثی چون هویت، زبان، اعتبار اجتماعی در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی است. در این پرسش‌نامه به دو دلیل نقش زبان فارسی بزرگ‌نمایی شده است (۱۱ سوال مربوط به کاربرد و اعتبار و کارایی زبان فارسی است؛ ۵ سوال مربوط به نظر شخصی گویشور به گونه زبانی، در مجموع ۱۶ سوال)؛ اولاً زبان فارسی زبان ملی ۸۰ میلیون گویشور است، ثانیاً با این کار به افراد اجازه دادیم اگر واکنش منفی یا مثبت به زبان ملی دارند که همان باعث تحت‌الشعاع قرار گرفتن گونه زبان محلی خودشان می‌شود صراحتاً اعلام کنند. هرچند این بزرگ‌نمایی فارسی بیشتر باشد، احساس تعصب و نگرش واقعی را بیشتر تحریک می‌کند و واقعیت این است که همه مردم زبان‌های محلی خودشان را دوست دارند.

^۱. نگارندگان این فرم را نگرش‌سنج می‌نامند.

ساختار و محتوای سوالات با عنایت به مباحث نگرش‌های زبانی که در ادامه خواهد آمد، تهیه و تنظیم شده است: نگرش‌های زبانی که از سوی (Baker, 1992) به نقل از داوری اردکانی (۱۳۸۴) معرفی شده است، شامل سه مولفه شناختی، احساسی و رفتاری است؛ به این معنی که آگاهی از زبان، احساس نسبت به زبان و آمادگی برای عمل در مورد زبان را سازنده نگرش‌های کاربران زبان می‌دانند. بیکر (به نقل از مکنزی) نگرش‌های زبانی را به هشت حوزه تقسیم می‌کند:

- ۱- نگرش نسبت به گونه زبانی، لهجه و سبک گفتاری؛
- ۲- نگرش نسبت به یادگیری زبان جدید؛
- ۳- نگرش نسبت به یک زبان اقلیت خاص؛
- ۴- نگرش نسبت به گروه‌ها، جوامع و اقلیت‌های زبانی؛
- ۵- نگرش نسبت به درس‌های زبانی؛
- ۶- نگرش والدین نسبت به درس‌های زبان؛
- ۷- نگرش نسبت به یک زبان خاص؛
- ۸- نگرش نسبت به انتخاب زبان (۲۰۱۰: ۲۶).

افراد پیش از بیکر تقسیم‌بندی مختلفی برای نگرش داشته‌اند، به‌عنوان مثال (Gardner, 1979) (به نقل از Spolsky, 1989: 149) نگرش را به دو دسته تقسیم کرده است:

- ۱- نگرش نسبت به گویشوران زبان مقصد؛
- ۲- نگرش نسبت به کاربرد عملی زبان مقصد.

(Stern, 1983) (به نقل از Ellis, 1985:118) نیز دو نوع از نگرش را مطرح کرده است:

- ۱- نگرش نسبت به یادگیری زبان؛
- ۲- نگرش نسبت به زبان‌ها و یادگیری زبان در کل.

ارزیابی این پرسش‌نامه نیز به صورت میدانی و انتخاب بومی‌زبان به لحاظ جنسیت، سن و میزان تحصیلات و ... کاملاً تصادفی بوده است. شایان ذکر است که متغیر وابسته این تحقیق دارای طیف پنج قسمتی (خیلی مخالفم، مخالفم، خیلی موافقم، موافقم و نظری ندارم) ارزش‌گذاری و از ۱ تا ۵ به آنها امتیاز داده شده است. (نمونه فرم نگرش سنج در قسمت پیوست ضمیمه شده است).

بعد از طراحی پرسشنامه و جمع‌آوری اطلاعات، فرم شاخص‌های سند یونسکو جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها کدگذاری شد و به روش استنباطی، از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ استفاده و ضریب همبستگی دو متغیر مورد آزمون قرار گرفت. از آنجا که با داده‌های پارامتریک^۱ روبه‌رو بوده‌ایم (با توجه به تعداد داده، نرمال بودن و ...) برای اندازه‌گیری میزان همبستگی، آزمون پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت. طبق آزمون پیرسون رابطه همبستگی مثبتی بین داده‌ها وجود دارد و رابطه بین این دو متغیر در سطح خطای ۵ درصد به شدت معنی‌دار است که در بند تحلیل داده‌ها این رابطه و سطح معنی‌داری شرح خواهد داده شد.

^۱. parametric

۶. تحلیل داده‌ها

نگارندگان در این پژوهش برای به دست آوردن میزان درخطر بودن گونه‌های زبانی منتخب، به جای ۹ شاخصی که در سند آمده است، ۸ شاخص را در نظر گرفته‌اند چرا که در سند یونسکو برای شاخص جمعیت دقیق گویشوران (شاخص دوم) سطح‌بندی وجود ندارد و به تعریفی بسنده شده است. از سوی دیگر، برای هر شاخص، یونسکو سطح‌بندی از ۱ تا ۵ را در نظر گرفته است، بدین منظور نگارندگان بالاترین امتیاز را برای گونه‌ی زبانی‌ای قائل هستند که در تمامی ۸ شاخص، عدد ۵ را کسب کرده است: ۴۰ (۵×۸)؛ به این منظور، در طیف رتبه‌بندی، کسب امتیاز ۴۰ که بالاترین امتیاز است برای زبان‌های ایمن و امتیاز صفر را برای زبان‌های نابود شده (۸×۰) در نظر می‌گیرند و بر این اساس به تناسب امتیاز صفر و ۴۰ و رعایت سطح‌بندی، برای رده‌بندی شدت درخطر بودن گونه‌های زبانی چنین امتیازاتی را در نظر می‌گیرند:

زبان‌های نایمن کسب امتیاز ۳۲ (۸×۴)، قطعاً درخطر کسب امتیاز ۲۴ (۸×۳)، به شدت درخطر کسب امتیاز ۱۶ (۸×۲)، به طرز وخیم درخطر ۸ (۸×۱).

مجموع امتیازات گونه‌های زبانی منتخب به شرح زیر است:

جدول (۱): مجموع امتیازات گونه‌های زبانی

گونه زبانی	امتیاز کسب شده
افجه‌ای	۷
اغشتی	۸
جابانی	۱۰
طالقانی	۱۴

۱۸	گهگمی
۲۰	بستگی
۲۰	سنگانی
۲۱	لارکی
۲۱	ملکی گالی
۲۳	قشمی

پس می‌توان وضعیت درخطر بودن گونه‌های منتخبی بر اساس طیف رده‌بندی زبان‌های درخطر را بدین حالت به نمایش گذاشت:

به طرز وخیم درخطر >^۱ به شدت درخطر > قطعاً درخطر

افجه‌ای، اغشتی > جابانی، طالقانی > سنگانی، قشمی، ملکی گالی، لارکی، گهگمی، بستگی

از تحلیل شاخص‌های سند اجرایی یونسکو و همچنین مجموع امتیازات کسب‌شده هر گونه زبانی مشخص شد که اغلب گونه‌های زبانی منتخب در مواردی همچون گذر میان حوزه‌های کاربرد که زبان، واکنش در قبال حوزه‌ها و رسانه‌های نو، مواد زبانی موجود در بحث آموزش و سوادآموزی، نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی دولتی و اجرایی، شامل مرتبه و حوزه‌های کاربرد رسمی، نوع و کیفیت مستندسازی‌های انجام شده و رفتار مشابهی دارند و در خصوص شاخص نگرش بومی‌زبانان به زبان بومی تفاوت فاحشی را مشاهده می‌کنیم. به این منظور نگارندگان برای دانستن آن که آیا همبستگی بین متغیر نگرش بومی‌زبانان (فرم شماره ۱، نگرش سنج) و متغیر شدت درخطر بودن گونه زبانی منتخب (فرم شاخص‌های دستورالعمل یونسکو) وجود دارد یا خیر و اگر همبستگی وجود دارد، به چه میزان است، با استفاده از نرم افزار آماری SPSS به این مهم دست یافتند

^۱. در این تحقیق این علامت نشان‌دهنده میزان شدت درخطر بودن گونه زبانی است.

که با توجه به خروجی آزمون پیرسون، همبستگی مثبت قوی^۱ بین دو متغیر ۰/۷۸۹ وجود دارد و با توجه به سطح معنی‌داری این آزمون ۰/۰۰۷ رابطه بین دو متغیر، رابطه خطی مثبتی است و رابطه بین این دو متغیر در سطح خطای ۵ درصد به شدت معنی‌دار می‌باشد. در زیر تحلیل آماری به دست آمده به نمایش گذاشته می‌شود.

در خروجی ظاهر شده عدد ۰/۷۸۹. نشان دهنده ضریب همبستگی است که نشان می‌دهد بین دو متغیر شدت خطر زبان و نگرش بومی‌زبان رابطه همبستگی مثبت قوی وجود دارد و ۰/۰۰۷. نشان دهنده معناداری است که نشان از آن دارد که رابطه بین دو متغیر معنادار است.

جدول (۲): خروجی نرم افزار SPSS برای ضریب همبستگی پیرسون

Correlations

	شدت خطر زبان	نگرش بومی زبان
Pearson Correlation	1	.789**
Sig. (2-tailed)		.007
N	25	25
Pearson Correlation	.789**	1
Sig. (2-tailed)	.007	
N	25	25

^۱. ضریب همبستگی یک عدد بین (-۱) تا (+۱) هست؛ هر چه به مثبت ۱ نزدیک‌تر باشد بین دو متغیر همبستگی مثبت قوی وجود دارد و هر چه به منفی یک نزدیک‌تر باشد یعنی همبستگی منفی قوی بین دو متغیر وجود دارد. با داشتن همبستگی مثبت، دو متغیر مثل هم تغییر می‌کنند، یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد و با کاهش نیز کاهش می‌یابد، اما همبستگی منفی باعث می‌شود با افزایش یکی، دیگری کاهش یابد و برعکس.

Correlations

	شدت خطر زبان	نگرش بومی زبان
Pearson Correlation	1	.789**
Sig. (2-tailed)		.007
N	25	25
Pearson Correlation	.789**	1
Sig. (2-tailed)	.007	
N	25	25

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

۷. نتیجه‌گیری و تبیین

در مجموع و براساس تحلیل داده‌ها این نتیجه حاصل می‌شود که بنا بر سوالات فرم نگرش‌سنج، نگرش بومی‌زبانان اکثر آبادی‌های تهران و اطراف آن (درست نقطه‌ی مقابل آبادی‌های هرمزگان) نسبت به گونه‌ی زبانی‌شان در خصوص ترویج، انتقال بین‌نسلی، داشتن خانواده غیرفارسی‌زبان و ... منفی است و ترجیح می‌دهند زبان فارسی را نسبت به گونه‌ی زبانی خود، در موقعیت‌های مختلف انتخاب کنند که این مورد نمونه بارز از رفتار زبانی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نگرش زبانی است. در حقیقت می‌توان گفت گسترش یک زبان را نه تنها از گستره کاربرد آن، بلکه از طریق بررسی نگرش‌های افراد نسبت به استفاده از آن می‌توان سنجید. عواملی مثل شهرنشینی و مهاجرت، محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت‌ها، زبان آموزش و سوادآموزی در نظام آموزشی کشور، اعتبار اجتماعی زبان‌ها و تعداد گویشوران یک زبان فاکتورهای تغییر در استفاده از یک زبان است. به باور نگارندگان همین عوامل باعث می‌شود برای تضمین شغل، تحصیل و آینده بهتر فرزندان خانواده‌ها به زبان فارسی صحبت کنند. گرایش به آموزش زبان

فارسی را به فرزندان در محیط خانواده می‌توان نشانه‌های ابتدایی از تغییر زبان مادری دانست. زبانی که در حوزه خانواده کاربرد کمی دارد در مقایسه با زبانی که در حوزه خانواده کاربرد بیشتری دارد از شانس کم‌تری برای بقا برخوردار است که این مورد اخیر را در آبادی‌های اطراف تهران شاهد هستیم که تمایلی به کاربرد و رواج زبان مادری وجود ندارد. آنان حقیقتاً با تغییر در انتخاب زبانی غیر از گونه زبانی خود به دنبال تغییر در هویت خود هستند. اگر نگرش بومی‌زبان نسبت به زبان‌شان مثبت باشد باعث می‌شود نه تنها گونه زبانی در امان باشد، بلکه به حفظ هویت اجتماعی نیز منجر گردد، اما اگر نگرش‌های بومی‌زبانان نسبت به زبان‌شان منفی باشد، به مرور زمان حاصل این نگرش منفی، زوال گونه زبانی و بالطبع در خطر بودن و نهایتاً زوال هویت اجتماعی این افراد را نیز می‌تواند در پی داشته باشد، به طور مثال می‌توان از خانواده‌هایی نام برد که به ازدواج با اهل آبادی خود که همسر با گونه زبانی‌شان صحبت کند، رغبتی نشان نمی‌دهند یا صحبت کردن به گونه زبانی خودشان را از درجه اعتبار پایینی می‌دانند یا آن‌که اگر زبان‌شان به دست فراموشی سپرده شود، آنان هیچ نگرانی نخواهند داشت یا به دلیل تأثیرات محیطی از جمله چشم و هم‌چشمی با همسایگان و یا اقوام با فرزندان خود به گونه زبانی‌شان صحبت نمی‌کنند و ...، موید آن است که نگرش بسیار منفی نسبت به گونه زبانی خود دارند. این افراد حقیقتاً وقتی به دنبال استفاده از زبانی غیر از زبان خود هستند، به دنبال استفاده از هویتی متفاوت غیر از هویت اصیل خود هستند. این گونه‌های زبانی با ارجاع به نتایج این تحقیق در معرض آسیب جدی و خطر نابودی قرار دارند. یکی از راهکارهای عملی که سیاستگذاران زبانی می‌توانند طراحی کنند، ارتقاء سطح عرق و هویت قومی و در نتیجه بهبود وضعیت زبان و کمک به نجات آن از انقراض است.

منابع

- اسماعیلی، محمدرضا، حسن بشیرنژاد و مهرداد روحی مقدم. (۱۳۸۶). «بررسی جایگاه و کاربرد زبان مازندرانی و نگرش‌های گویشوران نسبت به آن در شهرستان آمل». *پژوهش‌نامه علوم انسانی*. ۵۶. ۱-۲۸.
- برگر، پیتر و توماس لوکمان. (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- بشیرنژاد، حسن. (۱۳۸۴). مازندرانی: جایگاه، کاربرد و نگرش گویشوران در استان مازندران. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- داوری اردکانی، نگار و علی افخمی. (۱۳۸۴). «برنامه‌ریزی زبان و نگرش‌های زبانی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ۱۷۳ / ۵۶. ۱-۲۳.
- داوری اردکانی، نگار و مصطفی تحسین. (۱۳۹۰). «بررسی نگرش‌های زبانی و جایگاه دو زبان فارسی و کردی در هویت ملی». *ایران‌نامه (ایران‌نامگ)*. ۱ و ۲. ۲۰۹-۲۲۲.
- صفایی اصل، اسماعیل. (۱۳۸۳). *بررسی نگرش دانش‌آموزان دو زبانه شهر مرند نسبت به کاربرد زبان فارسی با تکیه بر جنسیت و طبقه اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *جامعه شبکه‌ای و عصر ارتباطات*. جلد دوم. (قدرت هویت). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: انتشارات طرح نو.
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۴). *گفتارهایی درباره زبان و هویت*. تهران: موسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی.
- لک، منوچهر. (۱۳۸۴). «بازتاب کارکرد هویت‌بخش زبان فارسی در شعر، مطالعه مورد سبک خراسانی و عراقی». *گفتارهایی درباره زبان و هویت*. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- مشایخ، طاهره. (۱۳۸۲). *بررسی کاربرد فارسی و گیلکی در میان دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی و والدین آنها در شهر رشت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- مهیمنی، محمدعلی (۱۳۷۹). *گفتگوی تمدن‌ها*. تهران: نشر ثالث.
- (2014). *Basic Texts of the 2003 Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage*. Paris: UNESCO.
- (2003). (LVE) *Language Vitality and Endangerment*. Paris: UNESCO.
- Baker, C. (1992). *Attitudes and Language*. UC. Santa Cruz.
- Blom, J. and J. J. Gumperz .(1972). "Social meaning in linguistic structures: Code switching in northern Norway". In John J. Gumperz and D. Hymes (eds.). *Directions in Sociolinguistics: The Ethnography of Communication*. New York: Holt, Rinehart and Winston. 407-434.
- Dyers, C .(2008). "Language shift or maintenance? Factors determining the use of Afrikaans among some township youth in South Africa". *Stellenbosch Papers in Linguistics*. Vol. 38, 49-72.
- Fasold, R. (1984). *The sociolinguistics of society*. Oxford: Blackwell.
- Habtoor, H. A .(2012). "Language maintenance and language shift among second generation Tigrinya-speaking Eritrean immigrants in Saudi Arabia." *Theory and Practice in Language Studies*. Vol. 2 (5): 945-955.
- Hymes, D. H.(1972). "On communicative competence". In J.B. Pride & J. Holmes (eds.). *Sociolinguistics*. London: Penguin. 269-293.
- Kroskrity, P. (2000). "Identity". *Journal of Linguistic Anthropology*. 9 (1-2): 111.
- Jacobson, J.(1998). *Islam in Transition*. London: Rutledge.
- Lippi-green, k.(1997). *English with an accent*. New York: Routledge.
- McKenzie, M. R .(2010). *The Social Psychology of English as a Global Language; Attitudes, Awareness and Identity in the Japanese context*. Heidelberg, Germany: Springer.
- Moseley, C.(2010). *Atlas of the World's Languages in Danger*. 3rd edn. Paris: UNESCO.

Preston, D. R. (1989). *Sociolinguistics and second language acquisition*. Oxford: Blackwell.

Spolsky, B. (1989). *Conditions for Second Language Learning*. Oxford: University Press.

Wardhaugh, R. & J. M. Fuller. (2014). *An Introduction to Sociolinguistics*. 7th edition. WILEY Blackwell.

پیوست‌ها:

فرم شماره ۱

فرم خام نگرش سنج

مشخصات فردی
سن: متولد: میزان تحصیلات: شغل: جنسیت: وضعیت تاهل: اصلیت همسر:
۱- من اصولاً زبان مادری خود را فارسی می‌دانم نه!
۲- ترجیح می‌دهم به خاطر تضمین آینده شغلی فرزندانم با آن‌ها به فارسی حرف بزنم.
۳- وقتی فارسی حرف می‌زنم اعتماد به نفس پیدا می‌کنم.
۴- من بیشتر به خاطر درس، مدرسه و دانشگاه با بچه‌ها فارسی حرف می‌زنم.
۵- داشتن خانواده فارس زبان زندگی بهتر و آینده مطمئن‌تری را برای من و بچه‌هایم تضمین می‌کند.
۶- همیشه دوست داشته‌ام همسرم اهل شهری بزرگ‌تر و فارس زبان باشد.
۷- برای این که فرزندانم بتوانند از بچگی از رادیو و تلویزیون و مطبوعات استفاده کنند با آن‌ها به فارسی حرف می‌زنم.
۸- وجود زبان فارسی به عنوان زبان رسمی در ادارات و سازمان‌ها و زندگی روزمره یادگیری و صحبت به آن را ایجاب می‌کند.
۹- دوست ندارم کسی مرا به عنوان یک بشناسد.
۱۰- به خاطر تاثیرات محیط اطراف (همسایه‌ها، اقوام، مدشدن، چشم‌وهم‌چشمی) است که با بچه‌هایم فارسی حرف می‌زنم.
۱۱- در صورتی که با بچه‌های خود به زبانی غیر از فارسی صحبت می‌کنند به این پرسش پاسخ داده شود: اگر در شهر دیگری زندگی می‌کردم با بچه‌هایم فارسی حرف می‌زدم.
۱۲- یکی از مهم‌ترین دلایلی که به زبان فارسی حرف می‌زنم سطح پایین بودن است.

^۱ در قسمت‌های نقطه‌چین در این فرم نام گونه زبانی مورد سنجش آورده شده است.

۱۳- به نظر من اصلاً جایگاه چندانی ندارد که من به فکر انتقال آن به بچه‌هایم باشم.
 ۱۴- از این که به فراموشی سپرده شود هیچ نگران نیستم.
 ۱۵- فکر می‌کنم حرف زدن مرا هم سطح افراد بی‌سواد و عقب‌مانده‌ی فرهنگی قرار می‌دهد.
 ۱۶- همسرم بیشتر از من بر فارسی حرف زدن با بچه‌ها تاکید می‌کند.

فرم شماره ۲

فرم خام سند یونسکو

الف- ارزیابی توان ادامه‌ی حیات در زبان و وضعیت تهدید: ۶ شاخص		
۱- انتقال بین‌نسلی:		
شدت تهدید	سطح	وضعیت جمعیت گویشوران
ایمن	۵	زبان در سطح تمامی گروه‌ها، و از جمله کودکان، کاربرد دارد.
ناایمن	۴	دسته‌ای از کودکان، زبان را در تمامی حوزه‌ها به کار نمی‌برند. همه‌ی کودکان زبان را در حوزه‌های محدود به کار می‌برند.
قطعاً در خطر	۳	کاربران زبان، عمدتاً، نسل والد و ماقبل آن هستند.
به شدت در خطر	۲	کاربران زبان، عمدتاً نسل والد بزرگ و ماقبل آن هستند.
به طرز وخیم در خطر	۱	تعداد بسیار کمی از گویشوران، که نسل نیا هستند، زبان را می‌دانند.
ناپوشده	۰	گویشوری باقی‌نمانده است.
۲- جمعیت دقیق گویشوران:		
برای برآورد شدت تهدید این شاخص، کافی است آماری از بزرگی اجتماع زبانی محاط تهیه شود. در این برآورد، اجتماعات زبانی کوچک‌تر، بیش‌تر از اجتماعات بزرگ‌تر در معرض خطر قلمداد خواهند شد.		
۳- نسبت تعداد گویشوران به کل جمعیت اجتماعی زبانی:		
شدت تهدید	سطح	نسبت تعداد گویشوران به کل جمعیت
ایمن	۵	همه به زبان بومی تکلم کنند.
ناایمن	۴	تقریباً همه به زبان بومی تکلم کنند.
قطعاً در خطر	۳	اکثریتی به زبان بومی تکلم کنند.
به شدت در خطر	۲	اقلیتی به زبان بومی تکلم کنند.
به طرز وخیم در خطر	۱	تعداد بسیار کمی به زبان بومی تکلم کنند.

نابود شده	۰	هیچ به زبان بومی تکلم کنند.
۴- گذر میان حوزه‌های کاربرد زبان:		
شدت تهدید	سطح	حوزه‌ها و کارکردها
کاربرد کامل	۵	زبان بومی در همه حوزه‌ها و در تمامی کارکردها کاربرد دارد.
چندزبانگی متعادل	۴	دو یا چند زبان در بیش‌تر حوزه‌های اجتماعی و در اکثر کارکردها مورد استفاده‌اند؛ معمولاً زبان آباواجدادی در حوزه‌ی روابط عمومی حضور ندارد.
حوزه‌های رو به زوال	۳	زبان آبا و اجدادی در حوزه خانواده و در شماری از کاربردها مورد استفاده دارد؛ معذک زبان زیرین در حال نفوذ به حوزه خانواده است.
حوزه‌های محدود یا رسمی	۲	زبان بومی در حوزه‌های اجتماعی محدودی کاربرد دارد و کارکردهای چندگانه دارد.
حوزه‌های محدود	۱	زبان بومی، تنها در حوزه‌های بسیار محدود کاربرد دارد و کارکردهای آن نیز، بسیار معدودند.
نابود شده	۰	زبان بومی هیچ کاربردی در هیچ حوزه‌ای ندارد.
۵- واکنش در قبال حوزه‌ها و رسانه‌های نو:		
شدت تهدید	سطح	حوزه‌ها و رسانه‌های نوی نفوذی به محدوده‌ی زبان در خطر
پویا	۵	زبان بومی در کلیه حوزه‌های نو کاربرد دارد.
مقاوم، فعال	۴	زبان بومی در اکثر حوزه‌های نو کاربرد دارد.
پذیرا	۳	زبان بومی در بسیاری از حوزه‌های نو کاربرد دارد.
در تلاش	۲	زبان بومی در برخی از حوزه‌های نو کاربرد دارد.
با کمترین سهم	۱	زبان بومی تنها در معدودی از حوزه‌های نو کاربرد دارد.
غیرفعال	۰	زبان بومی در هیچ حوزه نویی کاربرد ندارد.
۶- مواد زبانی موجود در بحث آموزش و سوادآموزی:		
سطح	مواد نوشتاری موجود	
۵	رسم‌الخطی تثبیت شده و سنتی برای سوادآموزی برقرار است. اجتماع زبانی به عرصه‌های ادبیات داستانی و نوین، و فعالیت مداوم رسانه‌ای دسترسی دارد. زبان بومی در امور اجرایی و آموزش و پرورش کاربرد دارد.	
۴	مجموعه‌ای از مواد نوشتاری موجود است و کودکان به یادگیری نظام نوشتاری مربوطه	

۰	اجتماع زبانی محاط نظام نوشتاری ندارد.
۱	نظام نوشتاری در دسترس اجتماع زبانی است و مطالبی با آن نوشته می‌شود.
۲	مواد نوشتاری موجودند، اما مورد استفاده برخی اعضای اجتماع زبانی‌اند. دیگران صرفاً ارزش نمادین آن‌ها را درمی‌یابند. آموزش زبان بومی در جمع برنامه‌های مدارس گنجانده نشده است.
۳	مواد نوشتاری موجودند و امکان ارائه آن‌ها به کودکان در مدارس برقرار است، اما مواد چاپی برای ارتقای وضعیت سوادآموزی در دسترس نیستند.
	رغبت نشان می‌دهند. شکل نوشتاری زبان بومی در امور اجرایی کاربرد ندارد.

ب- وجهه زبان: ۲ شاخص؛

۱- نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی دولتی و اجرایی، شامل مرتبه و حوزه‌های کاربرد رسمی:

میزان حمایت	سطح	نگرش مجامع رسمی به زبان
حمایت برابر	۵	از تمامی زبان‌ها حفاظت می‌شود.
حمایت نابرابر	۴	به زبان‌های زیرین، در وهله نخست، به‌عنوان زبان‌هایی با گستره‌های کاربرد اختصاصی نگریسته شده، از آن‌ها حفاظت می‌شود. زبان زیرین زبانی پر وجهه است.
گرایش غیرفعال	۳	در ارتباط با زبان‌های اقلیت‌ها سیاست رسمی‌ای موجود نیست. زبان زیرین در گستره‌های عمومی زبان غالب است.
گرایش فعال	۲	دولت گرایش به زبان زیرین را ترغیب می‌کند. از زبان‌های در اقلیت حمایتی به عمل نمی‌آید.
گرایش با اعمال قدرت	۱	زبان زیرین تنها زبان رسمی است و زبان‌های زیرین نه مورد توجهند و نه مورد حمایت.
ممنوعیت	۰	از کاربرد زبان‌های زیرین جلوگیری می‌شود.

۲- نگرش بومی‌زبانان به زبان بومی:

سطح	نگرش اعضای اجتماع زبانی به زبان بومی
۵	برای کلیه اعضای اجتماع زبان بومی ارزشمند است و ایشان تمایل به ارتقای آن دارند.
۴	اکثر اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند.
۳	بسیاری از اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند و بسیاری نیز بی‌نظرند یا حتی تمایل به تغییر زبان دارند.
۲	برخی از اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند و برخی نیز

	بی نظرند یا حتی تمایل به تغییر زبان دارند.	
۱	تنها معدودی از اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می کنند و بسیاری نیز بی نظرند یا حتی تمایل به تغییر زبان دارند.	
۰	برای هیچ کس حذف زبان بومی اهمیتی ندارد؛ همه ترجیح می دهند زبان زبرین جایگزین شود.	
ج- فوریت مستندسازی: ۱ شاخص		
۱- نوع و کیفیت مستندسازی های انجام شده:		
	نوع مستندسازی	سطح گستره مستندسازی
	برتر	۵ مجموعه ای غنی از کتاب های جامع دستور زبان، فرهنگ های لغت، متون مفصل و جریانی پیوسته از مواد زبانی موجود است. مواد سمعی و بصری فراوانی به صورت زیرنویسی شده با کیفیت بالا در دسترس هستند.
	خوب	۴ دست کم یک کتاب دستور زبان خوب، معدودی فرهنگ لغت، متن ادبی و غیرادبی و رسانه های جمعی فعال در دسترس هستند. مواد سمعی و بصری کافی با زیرنویس و با کیفیت مطلوب موجودند.
	چشم گیر	۳ یک کتاب دستور زبان مناسب، برخی فرهنگ لغت، پاره ای متون قابل مشاهده اند اما رسانه جمعی فعال موجود نیست. مشاهده برخی مواد سمعی و بصری ضبط شده، کم و بیش زیرنویسی شده و با درجات کیفی گوناگون، دور از انتظار نیست.
	مختصر	۲ برخی اشارات دستوری، فهرست های واژگان و متون در دسترسند که به کار پژوهش های زبانی محدود می آیند، معذک گستره دربرگیرندگی آنها ناکافی است. ممکن است موادی سمعی و بصری در کیفیت هایی متنوع و یا بدون زیرنویس نیز در دسترس باشند.
	ناکافی	۱ تنها معدودی اشاره دستوری، فهرست واژگانی کوچک و متن مختصر موجودند. مواد سمعی و بصری موجود نیستند یا اگر ماده ای از این دست مشاهده شود، کیفیت مطلوب ندارد و زیرنویسی نشده است.
	نبود مستندات	۰ ماده زبانی ای موجود نیست.